

چه وقتی اهل یمن از ریختن خون یکدیگر در خدمت به آمریکا و بریتانیا دست می‌کشند؟!

وبسایت «الأمنا» مستقر در عدن، روز پنج‌شنبه ۵ ژوئن جاری خبری با عنوان «بیانیه کمیته امنیتی استان مأرب» منتشر کرد که در آن آمده است: «کمیته امنیتی استان مأرب روز چهارشنبه اعلام کرد که عناصر قانون‌شکن در همان روز، اقدامات خرابکارانه‌ای انجام داده و جاده بین‌المللی مأرب-حضر موت در منطقه الوادی در شرق استان را قطع کردند».

عنصری که در این بیانیه ذکر شده‌اند، گروه‌های قبیله‌ای از قبیله «عبیده» در منطقه وادی عبیده هستند که «سلطان العراده» استاندار مأرب و عضو شورای ریاست‌جمهوری هشت‌نفره به آن وابسته است. این گروه‌ها به رهبری عبدالله سعید بن جلال فعالیت دارند که از سوی کمیته امنیتی به‌عنوان وابسته به حوثی‌های صنعاء معرفی شده است.

درگیری‌ها بین قبایل عبیده و ارتش، چهارشنبه ۴ ژوئن آغاز شد؛ زمانی که ایست‌بازرسی‌های نظامی وابسته به نیروهای ائتلاف، کامیون‌هایی را که سنگ مرمر از کوه «الحجیلی» در منطقه «الثنیه» در «صافر» در وادی عبیده حمل می‌کردند توقیف کردند. در واکنش، گروه‌های قبیله‌ای عبیده به آن‌ها حمله کردند. شایان ذکر است که در منطقه «الثنیه» ذخایر آهن و سایر مواد معدنی نیز وجود دارد.

در این درگیری‌ها که از سلاح‌های نیمه‌سنگین، سنگین و پهپادهای مسلح استفاده شد، یک میانجی‌گری قبیله‌ای که توسط شیوخ قبیله جهم و سایر قبایل استان مأرب رهبری شد، موفق شد ظهر همان روز (۴ ژوئن) درگیری را متوقف، جاده را باز و امنیت را بازگرداند. این درگیری‌ها یک کشته از نیروهای ویژه ائتلاف به رهبری ریاض، یعنی فرمانده برجسته «عبدالحق الشیخ» و بیش از ۳۰ مجروح از هر دو طرف بر جای گذاشت و باعث قطع برق در شهر مأرب شد.

این درگیری‌ها چیزی جز یکی دیگر از سلسله درگیری‌های تکراری در استان مأرب نیستند که هر از گاهی در داخل قبیله عبیده یا بین این قبیله و نهادهای حکومتی کشور رخ می‌دهند. تفاوت این بار در این است که کوه الحجیلی در منطقه الثنیه دارای ذخایر معدنی‌ای است که هنوز نوع آن‌ها مشخص نشده و شاید برخی قبایل در انحصار آن‌ها و قاچاق به خارج استان از طریق بندر «بئر علی» و دیگر بنادر استان شیوه در مجاورت مأرب دست داشته‌اند. ابتدا باید ماهیت این منابع مشخص شود تا حکم شرعی درباره‌ی آن‌ها صادر گردد؛ آیا این منابع از مالکیت خصوصی هستند یا مالکیت عمومی؟ اگر عمومی باشند، استفاده از آن‌ها برای مردم مجاز است اما تملک آن‌ها جایز نیست؛ چه توسط اشخاص و چه توسط شرکت‌ها، چه داخلی و چه خارجی.

استان مأرب که غنی از نفت و هم‌مرز با نجد و حجاز است، همچنان محل طمع قدرت‌های جهانی متخاصم در یمن است. سفیر آمریکا در یمن، «ماتیو تولر»، بارها از شهر جده هم‌مرز به این استان سفر کرده و با استاندار سلطان العراده دیدار داشته است. حوثی‌ها که از مأرب بیرون رانده شدند اما هنوز بخش‌های بزرگی از استان را در کنترل دارند، به دنبال بازپس‌گیری مناطق نفت‌خیز تحت کنترل «العلیمی» و شورای او هستند. مأرب تحت کنترل «شرعیات العلیمی و شورای او» قرار گرفت و در برابر آن، شهر «الحدیده» به حوثی‌ها سپرده شد.

در سال ۲۰۱۸، نیروهای طارق (نیروهای تحت حمایت امارات) از ورود به الحدیده منع شدند و به عقب‌نشینی مجبور شدند. سپس توافق «استکهلم» برای محافظت از الحدیده در برابر نیروهای طارق عفاش عامل بریتانیا که امارات از او پشتیبانی می‌کند امضا شد. طارق عفاش اخیراً تصریح کرده که «آمریکا مانع ورود نیروهای او به الحدیده شده است.» او در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۲۴ همراه با فرمانده گارد ساحلی خالد القملی به لندن سفر کرد و صراحتاً درخواست حمایت نظامی، اقتصادی و پوشش هوایی برای جنگ با حوثی‌ها را مطرح کرد.

نبرد جاری در مأرب و در یمن به‌طور کلی، چیزی نیست جز انعکاس نزاع بین‌المللی میان آمریکا (از طریق عربستان و ایران) و بریتانیا (از طریق امارات) بر سر یمن. نکته جالب‌توجه اینکه عربستان شبانه‌روز در حال خرید وفاداری‌ها در مأرب است تا به اربابش، آمریکا خدمت کند، درحالی‌که خود از قدمت نفوذ بریتانیا در میان قبایل از جمله از طریق علی عبدالله صالح و علی محسن آگاه است.

مخلصان در مأرب و دیگر نقاط، به‌خوبی طمع کفار و مزدوران آن‌ها را لمس می‌کنند. بر آنان واجب است که این مزدوران را طرد کرده و به عقیده، دین و امت خود بازگردند.

جای تأسف است که این درگیری‌ها در مأرب تکرار می‌شود، درحالی‌که در گذشته «اوس» و «خزرج» از قبیله «أزد» که اهل مأرب هم از آن هستند، یاران رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بودند و برای تأسیس دولت اسلامی در مدینه او را یاری دادند. از مأرب بود که «الأبیض بن حمّال» نزد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مدینه آمد و درخواست تخصیص کوه نمک را کرد؛ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم ابتدا آن را به او واگذار کرد، اما بعداً آن را پس گرفت، چون گفته شد: «تو آبی را به او واگذار کرده‌ای که قطع‌شدنی نیست (ثروت عمومی)». این واقعه دلیلی شرعی برای ممنوعیت تملک منابع عمومی توسط افراد شد.

آیا سزاوار نیست که فرزندان مأرب و عموم مردم یمن، از «اوس» و «خزرج» در یاری رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای تأسیس دولت اسلام، الگو بگیرند؟ امروز که پس از بیش از یک قرن، دولت اسلامی به‌دست کفار غربی سرنگون‌شده، چه کسی سیره انصار دیروز را زنده خواهد کرد تا رضایت الله سبحانه‌وتعالی را جلب کند؟

آیا ننگ نیست که دنیا برای غزه به پا خاسته، اما مسلمانان روی خود را از آن برگردانده‌اند و در مناطق مختلف، صبح و شام به جان هم افتاده‌اند؟ گویی متاع ناچیز دنیا از بازپس‌گیری مسجدالاقصی نخستین قبله و سومین حرم شریف و پاک‌سازی فلسطین از ناپاکی یهود، مهم‌تر شده است! «مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» «چه‌تان شده؟ چگونه داوری می‌کنید؟!».

ای مردم مأرب! آیا شرم‌آور نیست که با وجود برخورداری از سلاح و تجهیزات، نظاره‌گر آنچه بر برادرانتان در غزه می‌گذرد باشید، درحالی‌که همان سلاح‌ها را علیه یکدیگر به کار می‌گیرید؟ سلاح‌هایتان را حفظ کنید و آن‌ها را به‌سوی هم‌وطن‌هایتان نشانه نگیرید؛ دشمنی هست که شایسته است سلاح‌هایتان را علیه او به کار گیرید، کسی که در میان ما کشتار به راه انداخته و ما مأمور به پاسخ به آن هستیم.

این وضعیت «اهل ایمان و حکمت» است؛ شصت سال جنگ، تکه‌تکه شدن، تقسیم و پراکندگی، در سایه‌ی حاکمیت نظام سرمایه‌داری غربی و نبود حکومت اسلامی. یمن بین دو نیروی استعمارگر جهانی بریتانیای قدیم و آمریکای جدید گرفتار شده و همچنان هست.

هیچ‌چیز این نزاع را پایان نخواهد داد، مگر اینکه مردم یمن با حزب‌التحریر برای تأسیس خلافت راشده دوم بر منهج نبوت همکاری کنند.

برگرفته از شماره ۵۵۱ جریده‌الرأیه